

در گفت‌وگوی قدس با حجت الاسلام والمسلمین نواب، رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب مطرح شد

فلسطین، هویت امت اسلامی است

۲

حجت‌الاسلام‌والمسلمین مروی در دیدار استادان دانشگاه‌های مشهد:

رویکرد آستان قدس رضوی حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان است

تولیت آستان قدس رضوی رویکرد این آستان مقدس در سال ۱۴۰۱ را تقویت و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و نخبان معرفی کرد. به گزارش آستان نیوز، حجت‌الاسلام‌والمسلمین احمد مروی در دیدار رئیس‌ان، اعضای هیئت‌علمی و استادان دانشگاه‌های مشهد مقدس با بیان اینکه حرم مطهر رضوی آرامگاه عالم آل محمد(ع)...



محمدحاج‌المشهدی عکاس: رضوی

نخستین فعالیتی که در مشهد برای حمایت از «قدس» صورت گرفت

فریاد مظلومیت فلسطین از فراز منبر صاحب‌الزمانی

مسجد گوهرشاد اجتماع کنند. این تجمع، روز ششم خرداد ۱۳۲۷ و در ایام ولادت امیرمؤمنان(ع) برگزار شد. آیت‌الله سیدنورالدین شیرازی پای منبر صاحب‌الزمانی نشست و یکی از همراهان خودش به نام حجت‌الاسلام ساجدی شیرازی را روی منبر فرستاد تا سخنرانی کند. این نخستین بار بود که مردم مشهد، برقرار منبر صاحب‌الزمانی، چنین سخنانی را می‌شنیدند. در گزارش شهربانی درباره این مراسم آمده‌است: «در حدود ساعت ۱۸ آقای ساجدی شیرازی در مسجد گوهرشاد به منبر رفت... عیناً گفت: یهودی‌ها بین مسلمانان تفرقه انداخته‌اند، باید ماها دست برادری به یکدیگر داده ارتباط خود را با پهلودیان قطع کنیم و در برابر دشمنی آن‌ها به مبارزه برخیزیم.» سخنران بعد از نماز، ناصرالاسلام شیرازی بود؛ که در نطقی آتشین به افشای ماهیت رژیم صهیونیستی پرداخت

خورشیدی به دست عوامل رژیم پهلوی مسموم شد و به شهادت رسید. ورود آیت‌الله سیدنورالدین شیرازی به مشهد، زنگ خطر را برای رژیم پهلوی به صدا درآورد. او در مدارس علمیه شهر، مانند مدرسه نواب، به سخنرانی و گفت‌وگو با طلاب پرداخت؛ محتوای این سخنرانی‌ها، تأکید بر اصل مهم وحدت اسلامی برای نجات قدس شریف از جنگ صهیونیست‌ها بود. سرهنگ شوکت، رئیس وقت شهربانی مشهد، در گزارشی به شهربانی کل کشور، درباره این جلسات و سخنرانی‌ها می‌نویسد: «سید نورالدین شیرازی در مدرسه نواب طلاب را دور خود جمع کرده و گفته‌است: من میل دارم آقایان روحانیان دست اتحاد و یگانگی به من بدهند ... باید تشکیلات مخصوص برای فراگرفتن زبان‌های انگلیس و روس و آلمانی و غیره برای طبقه روحانیون برقرار نماییم تا در فعالیت‌های جهانی حضور داشته‌باشیم.



من میل دارم آقایان روحانیان دست اتحاد و یگانگی به من بدهند ... باید تشکیلات مخصوص برای فراگرفتن زبان‌های انگلیس و روس و آلمانی و غیره برای طبقه روحانیون برقرار نماییم تا در فعالیت‌های جهانی حضور داشته‌باشیم. خطر یهود برای اسلام جدی است و باید کاری کرد.

خطر یهود برای اسلام جدی است و باید کاری کرد».

■ اجتماع بزرگ در مسجد گوهرشاد

حضور آیت‌الله سیدنورالدین شیرازی در مشهد، تا زمان اعلام موجودیت رژیم اشغالگر قدس و مدتی بعد از آن نیز ادامه داشت، با رسیدن خبر تأسیس رژیم جعلی اسرائیل، آیت‌الله سیدنورالدین شیرازی از مردم مسلمان مشهد خواست که در

محمدحسین نیکبخت | ۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۷ بود که رژیم صهیونیستی، بعد از اشغال سرزمین فلسطینیان و تسلط بر بخش گسترده‌ای از این منطقه، اعلام موجودیت کرد. این اقدام، البته برای اندیشمندان، علما و روشنفکران مسلمان قابل پیش‌بینی بود؛ اما فقدان دولتی قدرتمند و نیز ضعف جدی مسلمانان در عرصه سیاسی و نظامی، اجازه نداد ایستادگی قاطعی در برابر شکل‌گیری این غده سرطانی انجام شود. معدود افراد مقاوم، مانند عزالدین قسام نیز بعد از مدت‌ها مبارزه به شهادت رسیدند. صهیونیست‌ها با آغاز جنگ جهانی دوم به فعالیت‌های خود در فلسطین شتابی مضاعف داده و برنامه‌های نسل‌کشی‌شان را به اوج رسانده‌بودند؛ قتل‌عام ساکنان روستای «دیر یاسین»، در ۲۰ فروردین ۱۳۲۷، فقط نمونه کوچکی از این وحشی‌گری‌ها بود. با ورود اخبار شدت عمل صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی به ایران، مردم مسلمان ما نسبت به این فجایع واکنش نشان دادند؛ اعتراضات گسترده در پایتخت و دیگر شهرها، با محوریت علمایی مانند آیت‌الله کاشانی شکل گرفت و هنور رژیم صهیونیستی اعلام موجودیت نکرده‌بود که راهپیمایی‌های اعتراضی در بسیاری از شهرها برگزار شد و مشهد نیز از این قاعده مستثنا نبود. طی فروردین ۱۳۲۷، مشهدالرضا(ع) شاهد نخستین فعالیت‌های ضدصهیونیستی‌ای شد که مرکزیت شکل‌گیری آن‌ها در اماکن متبرکه قرار داشت.

■ ورود فقیه مبارز به مشهد

۲۷ فروردین سال ۱۳۲۷، آیت‌الله سیدنورالدین شیرازی، به همراه تنی چند از علما، برای فعالیت تبلیغی وارد مشهد شد. او یکی از علمای بزرگ و سیاسی آن روزگار بود؛ فقیه‌ی که با صراحت لهجه و شجاعت کم‌نظیرش، دل‌های بسیاری را متوجه خود می‌کرد و درباره امور مهمی که کیان مسلمین را به خطر می‌انداخت، ابدأ اهل ماشات نبود. آیت‌الله سید نورالدین شیرازی پیش از آنکه به ماجرای فلسطین ورود پیدا کند، به مقابله سخت با اقدامات ضددینی رضاخان و فعالیت‌های فرقه ضالّه بهائیت پرداخته‌بود. اوبه استعمارستیزی شهرت داشت و به دلیل ایستادگی و مبارزاتش در این راه، در سال ۱۳۳۵



ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال دوم | ویژه نامه ۳۳۳ |



به همت مؤسسه بوستان کتاب منتشر شد
کتابی برای
«موفقیت در تبلیخ»

۳

به همت بنیاد کرامت رضوی آغاز شد

پنجمین پویش ملی «سفره‌مهربانی»

سجاد صفار هرن‌دی در واکنش به اقبال مخاطبان:

تولید «زندگی پس از زندگی» رخدادی تمدنی است

روایتی از زندگی عاشقانه آیت الله جوادی آملی

هر چه دارم از همسرم دارم

۲

دعا

عیب‌پوش دیگران باشیم



حجت الاسلام دکتر خیاط | اللهم اجعل سعّی فیه مَشکوراً و ذَنْبِی فیه مَغفوراً و عمَلی فیه مَقبُولاً و عَیْبی فیه مَسْتُوراً یا اَسْمَح السّامعین.

در این دعا از خدا چهار تقاضا داریم؛ سعی ما مشكور، گناهان ما آمرزیده و عمل ما مورد قبول بوده و عیوب و نقص های ما پوشیده بماند، «سعی» همان تلاش پرشتابی است که انسان در کارهای هدفمند انجام می دهد حرکت پرشتاب و هدفمند حاجیان بین دو کوه صفا و مروه را هم سعی گویند. هر کار خوبی که انجام می‌دهیم ممکن است در معرض آفت قرار گیرد. روزه داریم، گرسنگی و تشنگی می‌کشیم، اما ممکن است برای عدم رعایت یک اصل این تلاش و کار ما آسیب ببیند. اگرکارمان هدفمند و همراه خلوص و صداقت باشد، رنگ خدایی می گیرد و جاودانه و مشكور می‌شود.

در فراز دیگر از خدا می‌خواهیم گناه ما را بیخشد. گناه آفت بزرگی است که هم دنیا و هم آخرت را می‌سوزاند. چون نافرمانی خداست سبب دوری انسان از رحمت حق می‌شود. گناهان اگر بخشیده نشوند، کار موفقی نخواهیم داشت از

این رو طلب بخشش گناه داریم وقتی این دعا را کردیم به سمت آن باید حرکت کنیم؛ یعنی اسباب و عوامل بخشش را فراهم کنیم و توبه کنیم و از گناه بپرهیزیم.

در فراز سوم درخواست قبولی عمل را داریم. باید از خدا استمداد کنیم که عمل ما را بپذیرد. انجام عمل یک حرف است، قبولی آن حرفی دیگر است. خیلی‌ها عملی را انجام می‌دهند، اما شرایط پذیرش آن را پدید نمی‌آورند. اگر فرد کارش خدایسندانه و از روی تقوا باشد، از کفر و اکراه به دور باشد این عمل مورد قبول واقع می‌شود. در فراز پایانی هم می‌گوییم خدا عیب مرا ببوشان. اگر می‌خواهیم چنان باشد بایدعیب‌پوش دیگران باشیم. اسرار دیگران را حفظ کنیم. کسی را سرافکنده و شرمسار و تخریب نکنیم. اگر چنین عیب‌پوشی کردیم در مقابل خدا نیز پرده‌پوشی می‌کند.

نیمکت زنده‌گی

عمق عشق

رقیه توسلی | دارم فرنی‌ها را می‌کشم توی کاسه‌ها که چشمم به پسر نوجوان فلسطینی می‌افتد در محاصره ۳۰-۲۰ سرباز صهیونیست، می‌بینم چشم‌هایش را با پارچه سفید بسته‌اند و دست‌هایش را. روی صورتش خون خشک شده دارد. تلویزیون روشن است و کرانه باختری و نوار غزه را دارد نشان می‌دهد. نظامیان صهیونیستی خیلی ابزار و یراق بسته‌اند به خودشان. چکمه و اسلحه و کلاهخود و باتوم و نارنجک. نگاه می‌کنم به سرخوشی که از شکار دچارش شده‌اند. سرانجام هر

چی نباشد دست پُر برگشته‌اند! در ادامه تصویر خیابانی می‌بینم که پوشیده شده از کلوخ و سنگ و آتیش و همهمه. اما درخت هم دارد، درختان سبز و قدبلند. به مادر این رزمنده فکر می‌کنم و به همه مادرانی که ۷۰ سال است برای مقاومت، فرزندان‌شان را تربیت می‌کنند. به تصویر نوجوان فلسطینی و درختان سبز خیابان. درخت، تا همیشه خدا درخت است. مثل یک فلسطینی که تا آخر اهل فلسطین است. حالا غاصب جماعت گیرم هی بچنگد، دستگیر کند، تیر بیندازد، شهید

کند و ... فلسطین زاده‌ها باز به‌دنبای می‌آیند و قصه پدران و اجدادشان را می‌شنوند و می‌شوند یکی مثل همین نوجوان شیردل. به جای پوتین رزم، کتانی سفیدشان را پا می‌کنند و می‌آیند وسط معرکه وطن. با همان سنگ‌های تکه پاره. با همان ته مانده طقولیت. با همان عرق مادرزاد فلسطینی‌شان. تا به خودم بیایم، می‌بینم فرنی‌ها را ریخته‌ام توی کاسه‌ها و دارچین و مغز پسته هم کشیده‌ام رویشان. می‌بینم دم غروب‌ی کلی هم دعا کرده‌ام برای آزادی.

برای همسایگانی که در هُرم سرکش جنگ‌اند. برای مردمان مظلوم سرزمین معراج، می‌بینم روی کاسه‌های نذری، سلام داده‌ام به امام زمان(عج) که وقتی بیایند و دستشان را بکشند روی سرمان، سیاهی و تلخی روزگار می رود، افکارها طعم عسل و گلاب اصل می‌گیرند و دیگر هیچ فلسطینی برای داشتن فلسطینش خونبها نمی‌دهد.

سنجاق

حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ



منبر مجازی

نور ماه رمضان

حجت الاسلام انصاریان | این بیان از

وجود مبارک حضرت رضا (ع) واقعاً شنیدنی است: «الحسنات فی شهر رمضان مقبوله». ارزش و عظمت ماه رمضان در پیشگاه خدا در حدی است که حضرت می فرمایند هرکار خوبی، کم یا زیاد، مالی یا اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی را اگر کسی انجام دهد، بی برو برگرد به عمل نیکش مهر قبولی می‌زنند و کسی هم که حسناش قبول شود، شایسته نجات و بهشت است... «والسّیّئات فیه مغفوره» گناه در این ماه آمرزیده است. چه گناहانی که قبل از رمضان توبه نکردم وارد رمضان شدم، چه گناهانی که غیر عمد در ماه رمضان از من سر می‌زنند... عمدی ندارم با دین و خدا مخالفت کنم. خدا می‌آمرزد... چقدر پروردگار مهربان است.

در روایت داریم فردی وارد قیامت می‌شود عادت داشته هرجا می رفته، بسم الله می‌گفته است. وقتی از قبر در می‌آید «بسم الرحمن الرحیم» می‌گوید. سریع پرونده‌اش را به او می‌دهند. به پروردگار می‌گوید من در دنیا هیچ خطایی نداشتم؟ می‌فرماید: چرا...داشتی... می‌گوید: من به پرونده‌ام نگاه می‌کنم، می‌بینم همه خوبی‌هایم در این پرونده موجود است، اما اثری از بدی‌هایم نیست. نکند این پرونده من نیست. خطاب می‌رسد قدم به محشر گذاشتی و «بسم الله الرحمن الرحیم» گفتی، رحمت من پرونده گناهانت را پاک کرد.

اما بدانیم کشاورزان تا زمین را شخم نزند، زمین محصول خوبی نمی دهد. خدا با نور قرآن دل را شخم می زند بعد می کارد. ایمان، خضوع، خشوع، محبت، کرم، سخا، خوش اخلاقی، یقین، توکل و صبر این‌ها بذری است تا زمین... تا دل ما آماده نباشد، رشد نمی‌کند و همچنین با نور کلام پیغمبر (ص) و کلام ائمه (ع) که سراسر نور است، من باید قلبم را در اختیار خدا بگذارم تا نور واردش شود.

نور معمار عجیبی است! این نور وقتی وارد قلب شود، کاخ انسانیت و آدمیت و جوانمردی و فتوت و جوانمردی و شرافت و اخلاق را می سازد. «اذا دخل فی القلب انقصح و انشرح» ... به این معمار دلت را بده تا در این سرزمین گسترده، بنای خوبی بسازد. آب اگر راکد بماند، خراب می‌شود ولی آب‌هایی که حرکت می‌کنند خراب نمی‌شوند. اگر بخواهم در گناه بمانم بوی بد می گیرم... فاسد می‌شوم ... بیاییم خودمان را با دریای رحمت حق با پشیمانی وصل کنیم که این آب رحمت ما را با خودش ببرد...اگر بمانیم دچار زندگی و معیشت سخت می‌شویم ... «و من اعرض عن ذکری فان له معیشه ضنکا».

فصل نه‌یالبلاغه

چه چيز «بېج الصباغه» قى
شرح نهج البلاغه» را
بى نظير كړه ده است؟

«بېج الصباغه» قى شرح نهج البلاغه» ښكسته شناس و نسخه‌شناس معاصر محمّدقّى شوشترى رجال‌شناس و نسخه‌شناس معاصر محمّدقّى شوشترى درگذشته ۱۳۷۴شمسى است. منتقدان په دلايل گوناگونى اين شرح را شرعى يگانه و ويژه دانسته‌اند. په گزارش برنامه تلويزيونى «سوره: فصل نهج البلاغه»، از نگاه آنان نگرش موضوعى په نهج البلاغه و رويکرد انتقادى به گرد آورده و شارحان پيشين، بېج الصباغه را به کتابى

يکى از مقوله‌هاىي که در اسلام الفت ايجاد مى‌کند و منشأ هر پناى

است مېهانان دارى است. ممکن است بگويد الان گرانى است

نمى توانيم مېهانان دارى کنييم. اولاً لازم نيست همه مېهانى‌ها په ناهار و شام ختم شود. ثانياً لازم نيست ناهار و شام چندر کم باشد.

حجت الاسلام علّی تبرانی

موضوعه



روايتى از زندگى عاشقانه آيت الله جوادى آملّى

هر چه دارم از همسرم دارم



از نکات قابل توجه مراسم تشييع همسر آيت الله جوادى آملّى تصاویری بود که ايشان را در واپسين وداع با همسرشان نشان مى‌داد. اين تصاویر مورد توجه کاربران شبکه‌هاى اجتماعى نيز قرار گرفت.

به گزارش مهر، احمد شريف زاده در يادداشتى در اين خصوص نوشت:

با ديدن تصاویر عاشقانه آيت الله جوادى آملّى در تشييع وبر سر مزار همسرشان، ياد شنيدنهايم از برادرزاده علامه طباطبايى اقدم که مى‌گفت هنگام دفن همسر علامه، ايشان آن قدر گريستند و بى قرار بودند که بعضى به ايشان تذکر دادند حال ايشان، مناسب شأن و جاگاهشان نيست. آن‌ها بى تقصير بودند، چون فقط آن لحظات علامه را مى‌ديدند و التفات به گذشته علامه و همسرش نداشتند.

يکى از نزديکان آيت الله جوادى از قول ايشان برايم نقل کردند او ايل از دوچاشان، برائى استفاده از اسباب حوزة تهران، به‌خصوص علامه شعرانى بايد در تهران مقيم مى‌شدند، اما چون پولى براى اجاره منزل در تهران نداشتند، خودشان حجره‌ئيش مى‌شوند و همسرشان اين دورى را قبول مى‌کنند در آمل مى‌ماند و ايشان هر ۶ ماه یک بار به آمل مى‌رفتند تا اينکه پس از مدتى شرايط فراهم مى‌شود و همسرشان را به هم

تهران منتقل مى‌کنند.
يکى از رفقاى آيت الله جوادى مى‌فرمود ايشان در زمان حجره‌نشيني در مطالعه و درس و بحث پيشتکار و جديت جديبى داشتند، شب‌ها بيدار بودند و وقت زيادى را صرف امور علمى مى‌شدند. آن قدر که ما متعجب مى‌شويم، خود ناول از مفارح حوزة و کسانى بود که حديثشان در ميان علما مثال‌زنى است (حتما به اين‌ها تهجد و عبادت و رياضات شرعيه، رسيدگى به امور شاگردان و اطرافيان

کم نظير تبديل کرده است. شوشترى که در عنوان کتاب شُستَرى ثبت شده است از بين همه شرع‌هاى نهج البلاغه فقط سه شرح ابن ابى الحديد، ابن ميثم و خُوئى را قابل اعتنا مى‌داند که آن سه را نيز با نقدهاى متعدد همراه مى‌کند؛ چنان که شرح ابن ميثم را گرفتار تاويلات ناروا و شرح خُوئى را پرگو و انباشته از روايات ضعيف ارزايى مى‌کند.

کدام ويژگى عذاب فرعون را ۴۰ سال عقب انداخت؟

يکى از مقوله‌هاىي که در اسلام الفت ايجاد مى‌کند و منشأ هر پناى افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

تبذير اين است که چند رقم باشد، اسراف آن است که پيش از نياز افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

تبذير اين است که چند رقم باشد، اسراف آن است که پيش از نياز افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

تبذير اين است که چند رقم باشد، اسراف آن است که پيش از نياز افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

تبذير اين است که چند رقم باشد، اسراف آن است که پيش از نياز افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

تبذير اين است که چند رقم باشد، اسراف آن است که پيش از نياز افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

تبذير اين است که چند رقم باشد، اسراف آن است که پيش از نياز افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

تبذير اين است که چند رقم باشد، اسراف آن است که پيش از نياز افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

تبذير اين است که چند رقم باشد، اسراف آن است که پيش از نياز افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

تبذير اين است که چند رقم باشد، اسراف آن است که پيش از نياز افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

تبذير اين است که چند رقم باشد، اسراف آن است که پيش از نياز افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

تبذير اين است که چند رقم باشد، اسراف آن است که پيش از نياز افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

تبذير اين است که چند رقم باشد، اسراف آن است که پيش از نياز افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

تبذير اين است که چند رقم باشد، اسراف آن است که پيش از نياز افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

تبذير اين است که چند رقم باشد، اسراف آن است که پيش از نياز افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

تبذير اين است که چند رقم باشد، اسراف آن است که پيش از نياز افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

تبذير اين است که چند رقم باشد، اسراف آن است که پيش از نياز افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

تبذير اين است که چند رقم باشد، اسراف آن است که پيش از نياز افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

تبذير اين است که چند رقم باشد، اسراف آن است که پيش از نياز افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

تبذير اين است که چند رقم باشد، اسراف آن است که پيش از نياز افراد باشد: مثلا بى قرار نمانده ۱۰ روز غذا نخانى کنيد.

مېهانان دارى از نظر پيامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن كريم حضرت خذ شمشى به نام فرعون دارد که ۷۹ يار از آن نام

مېهانى‌ها چند اسبپ دارد که يکى از آن‌ها اسراف و تبذير است.

و از آنجا که تصميم دارم درباره روش پيشينيان، سخن هر کسى را به خود او ننيست ديد، کتابى پرميغ پيش روى خواننده قرار داده است.

شوشترى در بېج الصباغه که در ۱۴ جلد منتشر شده به ترتيب نهج البلاغه کارى ندارد و در ۶۰ موضوع کلاّن و ۹۳۳ ريزموضوع اثر خود را سامان داده است. او در ذيل هر عنوان نيز نخست خطبه‌ها و نامه‌هاى مرتبط با بخش‌هاى

برده است. هر بار هم از او ياد مى‌کند او را استمگر، طاغى، سلطه‌جو

و تا ولايات خطايى کرده است. فرعون خيلي خونريز بود و در يك نوره تمام پسران بنى اسرائيل را کشت تا موسى به دنيا نيايد.

وقتي موسى فرعون را نفرين کرد - ۴۰ سال طول کشيد تا نفرين

موسى مستجاب شود.وقتي فرعون غرق شد، موسى گفت من

برده است. هر بار هم از او ياد مى‌کند او را استمگر، طاغى، سلطه‌جو

و تا ولايات خطايى کرده است. فرعون خيلي خونريز بود و در يك نوره تمام پسران بنى اسرائيل را کشت تا موسى به دنيا نيايد.

وقتي موسى فرعون را نفرين کرد - ۴۰ سال طول کشيد تا نفرين

موسى مستجاب شود.وقتي فرعون غرق شد، موسى گفت من

برده است. هر بار هم از او ياد مى‌کند او را استمگر، طاغى، سلطه‌جو

و تا ولايات خطايى کرده است. فرعون خيلي خونريز بود و در يك نوره تمام پسران بنى اسرائيل را کشت تا موسى به دنيا نيايد.

وقتي موسى فرعون را نفرين کرد - ۴۰ سال طول کشيد تا نفرين

موسى مستجاب شود.وقتي فرعون غرق شد، موسى گفت من

برده است. هر بار هم از او ياد مى‌کند او را استمگر، طاغى، سلطه‌جو

و تا ولايات خطايى کرده است. فرعون خيلي خونريز بود و در يك نوره تمام پسران بنى اسرائيل را کشت تا موسى به دنيا نيايد.

وقتي موسى فرعون را نفرين کرد - ۴۰ سال طول کشيد تا نفرين

موسى مستجاب شود.وقتي فرعون غرق شد، موسى گفت من

برده است. هر بار هم از او ياد مى‌کند او را استمگر، طاغى، سلطه‌جو

و تا ولايات خطايى کرده است. فرعون خيلي خونريز بود و در يك نوره تمام پسران بنى اسرائيل را کشت تا موسى به دنيا نيايد.

وقتي موسى فرعون را نفرين کرد - ۴۰ سال طول کشيد تا نفرين

موسى مستجاب شود.وقتي فرعون غرق شد، موسى گفت من

برده است. هر بار هم از او ياد مى‌کند او را استمگر، طاغى، سلطه‌جو

و تا ولايات خطايى کرده است. فرعون خيلي خونريز بود و در يك نوره تمام پسران بنى اسرائيل را کشت تا موسى به دنيا نيايد.

وقتي موسى فرعون را نفرين کرد - ۴۰ سال طول کشيد تا نفرين

موسى مستجاب شود.وقتي فرعون غرق شد، موسى گفت من

برده است. هر بار هم از او ياد مى‌کند او را استمگر، طاغى، سلطه‌جو

و تا ولايات خطايى کرده است. فرعون خيلي خونريز بود و در يك نوره تمام پسران بنى اسرائيل را کشت تا موسى به دنيا نيايد.

وقتي موسى فرعون را نفرين کرد - ۴۰ سال طول کشيد تا نفرين

موسى مستجاب شود.وقتي فرعون غرق شد، موسى گفت من

برده است. هر بار هم از او ياد مى‌کند او را استمگر، طاغى، سلطه‌جو

و تا ولايات خطايى کرده است. فرعون خيلي خونريز بود و در يك نوره تمام پسران بنى اسرائيل را کشت تا موسى به دنيا نيايد.

وقتي موسى فرعون را نفرين کرد - ۴۰ سال طول کشيد تا نفرين

موسى مستجاب شود.وقتي فرعون غرق شد، موسى گفت من

برده است. هر بار هم از او ياد مى‌کند او را استمگر، طاغى، سلطه‌جو

و تا ولايات خطايى کرده است. فرعون خيلي خونريز بود و در يك نوره تمام پسران بنى اسرائيل را کشت تا موسى به دنيا نيايد.

وقتي موسى فرعون را نفرين کرد - ۴۰ سال طول کشيد تا نفرين

موسى مستجاب شود.وقتي فرعون غرق شد، موسى گفت من

برده است. هر بار هم از او ياد مى‌کند او را استمگر، طاغى، سلطه‌جو

و تا ولايات خطايى کرده است. فرعون خيلي خونريز بود و در يك نوره تمام پسران بنى اسرائيل را کشت تا موسى به دنيا نيايد.

وقتي موسى فرعون را نفرين کرد - ۴۰ سال طول کشيد تا نفرين

موسى مستجاب شود.وقتي فرعون غرق شد، موسى گفت من

برده است. هر بار هم از او ياد مى‌کند او را استمگر، طاغى، سلطه‌جو

و تا ولايات خطايى کرده است. فرعون خيلي خونريز بود و در يك نوره تمام پسران بنى اسرائيل را کشت تا موسى به دنيا نيايد.

وقتي موسى فرعون را نفرين کرد - ۴۰ سال طول کشيد تا نفرين

موسى مستجاب شود.وقتي فرعون غرق شد، موسى گفت من

برده است. هر بار هم از او ياد مى‌کند او را استمگر، طاغى، سلطه‌جو

و تا ولايات خطايى کرده است. فرعون خيلي خونريز بود و در يك نوره تمام پسران بنى اسرائيل را کشت تا موسى به دنيا نيايد.

وقتي موسى فرعون را نفرين کرد - ۴۰ سال طول کشيد تا نفرين

موسى مستجاب شود.وقتي فرعون غرق شد، موسى گفت من

برده است. هر بار هم از او ياد مى‌کند او را استمگر، طاغى، سلطه‌جو

و تا ولايات خطايى کرده است. فرعون خيلي خونريز بود و در يك نوره تمام پسران بنى اسرائيل را کشت تا موسى به دنيا نيايد.

وقتي موسى فرعون را نفرين کرد - ۴۰ سال طول کشيد تا نفرين

موسى مستجاب شود.وقتي فرعون غرق شد، موسى گفت من

برده است. هر بار هم از او ياد مى‌کند او را استمگر، طاغى، سلطه‌جو

و تا ولايات خطايى کرده است. فرعون خيلي خونريز بود و در يك نوره تمام پسران بنى اسرائيل را کشت تا موسى به دنيا نيايد.

وقتي موسى فرعون را نفرين کرد - ۴۰ سال طول کشيد تا نفرين

موسى مستجاب شود.وقتي فرعون غرق شد، موسى گفت من

برده است. هر بار هم از او ياد مى‌کند او را استمگر، طاغى، سلطه‌جو

و تا ولايات خطايى کرده است. فرعون خيلي خونريز بود و در يك نوره تمام پسران بنى اسرائيل را کشت تا موسى به دنيا نيايد.

وقتي موسى فرعون را نفرين کرد - ۴۰ سال طول کشيد تا نفرين

موسى مستجاب شود.وقتي فرعون غرق شد، موسى گفت من

برده است. هر بار هم از او ياد مى‌کند او را استمگر، طاغى، سلطه‌جو

و تا ولايات خطايى کرده است. فرعون خيلي خونريز بود و در يك نوره تمام پسران بنى اسرائيل را کشت تا موسى به دنيا نيايد.

وقتي موسى فرعون را نفرين کرد - ۴۰ سال طول کشيد تا نفرين

موسى مستجاب شود.وقتي فرعون غرق شد، موسى گفت من

برده است. هر بار هم از او ياد مى‌کند او را استمگر، طاغى، سلطه‌جو

و تا ولايات خطايى کرده است. فرعون خيلي خونريز بود و در يك نوره تمام پسران بنى اسرائيل را کشت تا موسى به دنيا نيايد.

وقتي موسى فرعون را نفرين کرد - ۴۰ سال طول کشيد تا نفرين

موسى مستجاب شود.وقتي فرعون غرق شد، موسى گفت من

برده است. هر بار هم از او ياد مى‌کند او را استمگر، طاغى، سلطه‌جو

و تا ولايات خطايى کرده است. فرعون خيلي خونريز بود و در يك نوره تمام پسران بنى اسرائيل را کشت تا موسى به دنيا نيايد.

وقتي موسى فرعون را نفرين کرد - ۴۰ سال طول کشيد تا نفرين

موسى مستجاب شود.وقتي فرعون غرق شد، موسى گفت من

برده است. هر بار هم از او ياد مى‌کند او را استمگر، طاغى، سلطه‌جو

و تا ولايات خطايى کرده است. فرعون خيلي خونريز بود و در يك نوره تمام پسران بنى اسرائيل را کشت تا موسى به دنيا نيايد.

وقتي موسى فرعون را نفرين کرد - ۴۰ سال طول کشيد تا نفرين

مرتبط آن‌ها و سپس حکمت‌هاى مرتبط با آن عنوان را

آورده است. گستردگى اين ۶۰ موضوع در واقع ناشى از

گسترده‌گى موضوعات نهج البلاغه است و از اعتقادات تا

تاريخ و شخصيت‌شناسى و از فرهنگ‌شناسى تا آموزه‌هاى

اخلاقى را دربردارد.

اين موضوعات از توحيد و آفرينش جهان و فرشتگان و

انسان آغاز شده به نبوت و امامت عامه و خاصه رسيده

۴۰۰ پيش از دعا کرد چنان‌اا مستجاب شد، خداوند فرمود

اين شخص با همه بى‌هايش کى صفت خوب داشت و آن اينکه

مأمورانى داشت که وظيفه داشتند براى تضرع و شب نماز بايد هيچ

کسى را دربردارد. ۴۰ سال به او مهلت داد. من چقدر پيچار هستم

اگر در ۶۰ سال عمر نتوانم کى صفت خوب براى خودم درست

کند يا در ۶۰ سال عمر نتوانم کى صفت خوب براى خودم درست

کند يا در ۶۰ سال عمر نتوانم کى صفت خوب براى خودم درست

کند يا در ۶۰ سال عمر نتوانم کى صفت خوب براى خودم درست

کند يا در ۶۰ سال عمر نتوانم کى صفت خوب براى خودم درست

کند يا در ۶۰ سال عمر نتوانم کى صفت خوب براى خودم درست

کند يا در ۶۰ سال عمر نتوانم کى صفت خوب براى خودم درست

کند يا در ۶۰ سال عمر نتوانم کى صفت خوب براى خودم درست

